





دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

انسان شناسی فلسفی ابن سینا، عرفانی مولانا، علمی داروین

استاد راهنما

دکتر علی حقی

استاد مشاور

دکتر جهانگیر مسعودی

نخارش

کبری مشایخی

تابستان ۱۳۹۰



بسمه تعالی □□□

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان □□□□□□□□

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: انسان شناسی فلسفی ابن سینا، عرفانی مولانا، علمی داروین

نام نویسنده: کبری مشایخی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر علی حقی

نام استاد(ان) مشاور: دکتر جهانگیر مسعودی

رشته تحصیلی: فلسفه و کلام اسلامی	گروه: فلسفه اسلامی	دانشکده: الهیات شهید مطهری
تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۴/۱۲	تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۲	
تعداد صفحات: ۳۴۳	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input checked="" type="radio"/> دکتری <input type="radio"/>	

چکیده رساله/پایان نامه : در این نوشتار، در قالب تحلیلی مستقل اندیشه‌های ابن سینا، مولانا و داروین در زمینه انسان شناسی به توصیف و مقایسه انسان شناسی فلسفی، عرفانی و نیز علمی پرداخته‌ایم. فلاسفه به حقیقت کلی انسان می‌پردازند. به تعبیری به انسان در مقام چیستی و هستی انسان سروکار دارند. ابن سینا، معتقد است: نوع انسان قدیم است و پیوسته انسان‌های دیگری بعد از آن انسان بوده‌اند. بنابراین ایشان قائل به دگرگونی نفس انسان نمی‌باشد. و نوع انسان را از اول تا آخر موجودی ثابت و بدون تغییر می‌داند. وی معتقد است مابه الامتیاز انسان از سایر موجودات به نفس ناطقه اوست از دید عرفا، انسان از جنبه باطنی و روحانی موجودی است توانمند و قابل. انسان مولانا، حامل ودیعه الهی بسیار گرانبهایی است. اگر او نبود، هیچ مخلوقی هستی نمی‌یافت. او هم چنین انسان را عالم صغیر می‌داند مبتنی بر عالم کبیر. وی معتقد است همین امر مابه الامتیاز او از سایر موجودات می‌باشد و انسان می‌تواند به مرحله انسان کامل برسد. در انسان شناسی علمی، به انسان چنان که هست، پرداخته می‌شود یعنی انسان در مقام تحقق. انسان شناسی زیستی یا علمی، تصویر انسان بالفعل را بدست می‌دهد. داروین نیز پیدایش آدمی را صرفاً نتیجه انتخاب طبیعی می‌داند. بر اساس دیدگاه داروین، تفاوت انسان با سایر موجودات ماهوی یا نوعی نیست. بلکه تفاوت به درجه است

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
	۱. انسان
	۲. انسان کامل
	۳. حیوان
	۴. نفس
	۵. تکامل
تاریخ:	

تقدیم بہ:

مولانا سرورم علی بن موسی الرضا (علیہ آلف التحیہ والثناء)

وتمام یونندگان علم و دانش

هوالمحبوب هوالمحبوب

تقدیر و سپاس

باسپاس از؛

خالق بی‌همتای هستی که چتر سایه کستر الطاف و عنایتش در خلق این اثر بزرگترین حامیم بود و نیز بیاد و نام او که ابتدای هر چیز است. باد و دریا، سبزه رحمت و خاندان پاکش، سخن را با سپاس از الطاف بی‌کران آن یگانه هستی، بخش آغاز میکنم. خداوند مهربان الطاف خود را بر من ارزانی داشت و در زمانه‌ای که حکمت به علم و علم به اطلاعات تقلیل یافته است، این فرصت را برایم فراهم کرد که از راهبانی و اشراف استایدی برخوردار کردم که حضور حکمت در وجود آنان، علم را با تواضع همراه کرده است و از این رو به همان اندازه که عالم و دانشمند، همان قدر متواضع و فروتن هستند.

استاد بزرگوار جناب آقای دکتر حقی

باراهبانی مستمر و صرف وقت بی‌دریغ، راهگشای این پژوهش بوده‌اند.

استاد ارجمند جناب آقای دکتر معودی

با صرف وقت و حوصله فراوان زحمت مشاوری این پژوهش را بر عهده داشته‌اند. در اینجا از این بزرگواران تقدیر می‌نمایم و توفیقات روز افزون آن‌ها را از درگاه خداوند منان خواستارم.

از استاید گرامی جناب آقای دکتر حور شکیان و جناب آقای دکتر کنسال که در طی انجام این پژوهش با لطف و بزرگواری و صبر و حوصله خودشان، بنده را از راهبانی‌های مفیدشان بی‌بهره نگذاشتند، و نیز زحمت داوری این پژوهش را بر عهده داشته و با دقت نظر خود بر اعتبار علمی این پژوهش افزوده‌اند، کمال تشکر را می‌نمایم.

فهرست مطالب:

- مقدمه ۱
- تعریف مسئله و تبیین موضوع ۵
- ضرورت تحقیق و هدف از انجام تحقیق ۶
- مسائل اساسی تحقیق ۶
- پیشینه تحقیق ۷
- روش انجام تحقیق چگونه است؟ ۷

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- تعاریف و ادبیات تحقیق ۱۰
- ۱-۱-۱- تعریف انسان شناسی ۱۰
- ۱-۱-۱-۱- معانی لغوی و اصطلاحی انسان ۱۰
- ۱-۱-۱-۲- واژه «انسان» از نظر اهل لغت ۱۰
- ۱-۱-۱-۳- واژه «انسان» از نظر اندیشمندان ۱۱
- ۲-۱- جایگاه و اهمیت بحث انسان شناسی ۱۴
- ۱-۲-۱- ارتباط انسان شناسی با خدانشناسی و جهان شناسی ۱۵
- ۲-۲-۱- ارتباط انسان شناسی با علوم دیگر ۱۵
- ۳-۲-۱- فلسفه شناخت انسان ۱۸
- ۳-۱- تفاوت روش شناسی و هستی شناسی انسان از سه منظر فلسفی، عرفانی، علمی ۱۹
- ۱-۳-۱- روش شناسی ۱۹
- ۱-۳-۱-۱- روش شناسی فلسفی ۱۹
- ۲-۳-۱-۲- روش شناسی علمی ۲۰

- ۲۱-۳-۱-۳-۱-۳-۱ روش شناسی عرفانی
- ۲۱-۳-۱-۲-۳-۱ هستی شناسی
- ۲۲-۳-۱-۲-۱-۲-۳-۱ هستی شناسی فلسفی
- ۲۳-۳-۱-۲-۲-۳-۱ هستی شناسی عرفانی
- ۲۴-۳-۲-۳-۱-۳-۲-۳-۱ هستی شناسی علمی
- ۲۷-۴-۱-۴-۱-۴-۱ شرح حال و زندگی نامه
- ۲۷-۴-۱-۴-۱-۴-۱ ابن سینا
- ۳۰-۴-۱-۲-۴-۱-۲-۴-۱ مولوی
- ۳۲-۴-۱-۳-۴-۱-۳-۴-۱ داروین (Darwin)

فصل دوم: انسان شناسی فلسفی ابن سینا

- ۳۷-۲-انسان شناسی فلسفی ابن سینا
- ۳۹-۱-۲-تعریف و ماهیت نفس
- ۴۱-۱-۱-۱-۱-۲-معانی لغوی واصطلاحی نفس
- ۴۲-۱-۱-۱-۱-۲-تعریف اصطلاحی نفس از دیدگاه ابن سینا
- ۴۲-۱-۱-۲-۲-تعریف نفس در عبارات شفا به مای شارحه
- ۴۲-۱-۱-۳-۱-۱-۲-تعریف نفس به مای حقیقیه
- ۴۲-۱-۱-۴-۱-۱-۲-تعریف نفس از دیدگاه ارسطو
- ۴۳-۱-۱-۵-۱-۱-۲-تعریف نفس از دیدگاه ابن سینا به اعتبارات مختلف
- ۴۴-۱-۱-۶-۱-۱-۲-استدلال ابن سینا بر اشتراک لفظی نفس بین نفس حیوانی و نفس فلکی
- ۴۵-۱-۱-۷-۱-۱-۲-قیود به کار رفته در تعریف نفس
- ۴۸-۱-۱-۸-۱-۱-۲-مخالفت ابن سینا با ارسطو در تعریف نفس
- ۵۰-۱-۱-۹-۱-۱-۲-قوای نفس
- ۵۶-۲-۲-اثبات وجود نفس

- ۵۷ ۱-۲-۲- دلایل اثبات وجود نفس
- ۵۷ ۱-۱-۲-۲- برهان طبیعی
- ۵۸ ۲-۱-۲-۲- برهان پسیکولوژی
- ۵۸ ۳-۱-۲-۲- برهان استمرار
- ۵۹ ۴-۱-۲-۲- برهان وحدت نفس و برهان
- ۶۰ ۵-۱-۲-۲- برهان انسان معلق در هوا
- ۶۲ ۳-۲- تجرد نفس
- ۶۳ ۱-۳-۲- دلایل تجرد نفس
- ۶۳ ۱-۱-۳-۲- معقولات کلیه
- ۶۳ مقدمه اول
- ۶۳ مقدمه دوم
- ۶۵ ۲-۱-۳-۲- حکمت
- ۶۷ ۳-۱-۳-۲- علم
- ۶۷ ۴-۱-۳-۲- نفس محل قبول معقولات
- ۶۸ ۵-۱-۳-۲- نفس موضوع علم
- ۶۸ ۶-۱-۳-۲- نفس جوهر نطقی
- ۶۹ ۷-۱-۳-۲- حرکت
- ۶۹ ۸-۱-۳-۲- تعقل
- ۷۰ ۹-۱-۳-۲- نفس محل علوم و صور معقوله
- ۷۱ ۱۰-۱-۳-۲- روحانیت نفس
- ۷۳ ۴-۲- حدوث نفس
- ۷۳ ۱-۴-۲- اثبات حدوث نفس
- ۷۸ ۲-۴-۲- اشکال وارد بر حدوث نفس و پاسخ ابن سینا به آن

- ۲-۴-۳- بیان ابن سینا دربارهٔ قدمت نفس ۷۸
- ۲-۵-۵- جوهریت نفس..... ۸۴
- ۲-۵-۱- اثبات جوهریت نفس..... ۸۵
- ۲-۵-۲- نتیجه بحث..... ۸۹
- ۲-۶-۶- خلود و جاودانگی نفس..... ۹۱
- ۲-۶-۱- پیشینهٔ مسئله خلود نفس..... ۹۱
- ۲-۶-۲- اثبات خلود و بقاء نفس..... ۹۲
- ۲-۶-۳- برهان اول بر عدم فساد نفس..... ۹۴
- ۲-۶-۴- برهان دوم بر عدم فساد نفس..... ۹۶
- ۲-۶-۵- نتیجهٔ برهان دوم..... ۱۰۰
- ۲-۶-۶- بیان ابن سینا دربارهٔ بقا نفس در دانشنامهٔ علائی..... ۱۰۲
- ۲-۶-۷- دلایل ابن سینا بر بقای نفس..... ۱۰۳
- ۲-۶-۸- خلاصه دلایل اثبات بقای نفس..... ۱۰۵
- ۲-۷-۷- مراتب نفس..... ۱۰۶
- ۲-۷-۱- نفس نباتی..... ۱۰۶
- ۲-۷-۲- نفس حیوانی..... ۱۰۶
- ۲-۷-۳- نفس انسانی..... ۱۰۶
- ۲-۷-۴- مراحل تشکیل اقسام نفوس..... ۱۱۰
- ۲-۸-۸- ارتباط نفس با بدن..... ۱۱۱
- ۲-۸-۱- نفی تناسخ و ارتباط آن با نفس و بدن..... ۱۱۳
- ۲-۹-۹- نتیجه‌گیری فصل دوم..... ۱۱۷
- ۲-۹-۱- فصل حقیقی و مابه‌الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟..... ۱۱۷

۲-۹-۲- حقیقت انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا امری تکامل پذیر است یا تکامل ناپذیر؟... ۱۱۸

۳-۹-۲- مبدأ و نحوه نخستین انسان چگونه بوده است؟..... ۱۱۸

فصل سوم: انسان شناسی عرفانی مولوی

۱-۳- چيستی انسان در عرفان ۱۲۱

۳-۱-۱- چيستی انسان در عرفان مولوی ۱۲۳

۳-۱-۲- چيستی انسان از منظرهای گوناگون..... ۱۲۶

۲-۳- انسان شناسی عرفانی مولوی..... ۱۲۸

۳-۲-۱- نماد انسان در مثنوی مولوی..... ۱۲۹

۳-۲-۲- اجزا وجودی انسان در عرفان مولوی ۱۳۱

۳-۲-۳- انسان عالم صغیر و آینه صفات الهی..... ۱۳۲

۳-۳- اهمیت انسان شناسی از دیدگاه مولوی..... ۱۳۶

۳-۴- حقیقت انسان ۱۳۹

۳-۵- مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان و جایگاه او در نظام آفرینش..... ۱۴۳

۳-۵-۱- انواع مخلوقات و جایگاه انسان در میان آن ها ۱۴۶

۳-۵-۲- امتیاز انسان از دیگر موجودات..... ۱۴۸

۳-۵-۳- اولین مخلوق ۱۴۹

۳-۵-۴- انسان هدف خلقت ۱۵۰

۳-۶- سیرمراتب خلقت و پیدایش نخستین انسان از دیدگاه مولوی..... ۱۵۳

۳-۷- جهات و ابعاد وجودی انسان..... ۱۵۷

۳-۷-۱- مواد تشبیه انسان و آنچه انسانی است..... ۱۶۰

۳-۷-۱-۱- تن ۱۶۰

۳-۷-۱-۲- جان..... ۱۶۱

۳-۷-۱-۳- نفس..... ۱۶۲

- ۱۶۳ ۳-۷-۱-۴-عقل
- ۱۶۳ ۳-۷-۱-۵-وصال
- ۱۶۶ ۳-۸-۸-مراتب و مدارج منازل انسانیت
- ۱۶۶ ۳-۸-۱-وجود آدمی، پیچیده ولایه در لایه است
- ۱۶۶ ۳-۸-۲-انسان، علت غائی جهان است
- ۱۶۷ ۳-۸-۳-رمز برتری انسان بر فرشته
- ۱۶۷ ۳-۸-۴-مقایسه خلقت حیوان و انسان و فرشته و مراتب آن
- ۱۶۸ ۳-۸-۵-عظمت انسان
- ۱۶۸ ۳-۸-۶-انسان میان دو بی نهایت
- ۱۷۱ ۳-۸-۷-جنبه های وجودی انسان
- ۱۷۳ ۳-۹-۹-مقام والای انسان و لزوم توجه به تربیت و تعالی روح
- ۱۷۶ ۳-۹-۱-عظمت و ارزش روح انسانی
- ۱۷۹ ۳-۱۰-۱-انسان کامل از نظر مولوی
- ۱۷۹ ۳-۱۰-۱-پیشینه انسان کامل
- ۱۸۰ ۳-۱۰-۲-چیستی انسان کامل
- ۱۸۵ ۳-۱۰-۳-وجوه انسان کامل
- ۱۸۶ ۳-۱۰-۴-انسان کامل اساس خلقت
- ۱۸۷ ۳-۱۰-۵-انسان کامل در عرفان مولوی
- ۱۹۱ ۳-۱۰-۶-تصویر کامل مولوی از انسان کامل
- ۱۹۵ ۳-۱۰-۷-خلاصه آراء مولانا درباره انسان کامل
- ۱۹۶ ۳-۱۰-۸-مولوی در جستجوی انسان کامل
- ۱۹۹ ۳-۱۰-۹-ویژگی های انسان کامل
- ۲۰۰ ۳-۱۰-۱۱-بقای عالم منوط به بقای انسان کامل است

- ۳-۱۰-۱۲- حضور انسان کامل در همهٔ اعصار..... ۲۰۲
- ۳-۱۰-۱۳- جامعیت انسان کامل در مراتب نبوت رسالت و ولایت..... ۲۰۳
- ۳-۱۰-۱۴- مرجعیت انسان کامل در هدایت سالکین طریق معرفت..... ۲۰۴
- ۳-۱۰-۱۵- تفاوت سنجی انسان کامل با دیگران..... ۲۰۴
- ۳-۱۱- نتیجه گیری فصل سوم..... ۲۰۶
- ۳-۱۱-۱- فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟..... ۲۰۶
- ۳-۱۱-۲- حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا تکامل پذیراست یا تکامل ناپذیر؟..... ۲۰۶
- ۳-۱۱-۳- مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟..... ۲۰۸

فصل چهارم: انسان‌شناسی علمی داروین

- ۴-۱- انسان‌شناسی زیستی چیست؟..... ۲۱۰
- ۴-۱-۱- ارتباط انسان‌شناسی زیستی با دیرینه‌شناسی انسانی..... ۲۱۰
- ۴-۲- اسلاف داروین..... ۲۱۶
- ۴-۲-۱- لینه..... ۲۱۶
- ۴-۲-۲- بوفن..... ۲۱۸
- ۴-۲-۲-۱- عوامل تأثیرگذار بر تغییرات تکامل از دیدگاه بوفن..... ۲۱۹
- ۴-۲-۳- اراسموس داروین..... ۲۲۰
- ۴-۲-۴- لامارک..... ۲۲۱
- ۴-۲-۴-۱- خلاصه نظرات لامارک..... ۲۲۲
- ۴-۲-۵- کوویه و سنت هیلر..... ۲۲۴
- ۴-۲-۵-۱- دیدگاه کوویه..... ۲۲۴
- ۴-۲-۵-۲- سنت هیلر..... ۲۲۶
- ۴-۳- سهم اسلاف داروین در تکوین اندیشهٔ داروین..... ۲۲۷

- ۲۲۸ ۱-۳-۴ سهم کوویه.....
- ۲۲۹ ۲-۳-۴ سهم بوفون.....
- ۲۳۰ ۳-۳-۴ سهم لامارک.....
- ۲۳۳ ۴-۳-۴ تأثیر مالتوس و اسپنسر بر اندیشه داروین.....
- ۲۳۴ ۵-۳-۴ تأثیر چارلز لایل بر اندیشه داروین.....
- ۲۳۵ ۶-۳-۴ سهم لینه.....
- ۲۳۶ ۴-۴-۴ اصول وارکان تئوری داروین.....
- ۲۳۶ ۱-۴-۴ تأثیر محیط.....
- ۲۳۶ ۲-۴-۴ تغییرات تصادفی.....
- ۲۳۷ ۳-۴-۴ تنازع بقا.....
- ۲۳۷ ۴-۴-۴ اصل استعمال و عدم استعمال.....
- ۲۳۸ ۵-۴-۴ اصل انتقال صفات اکتسابی از طریق وراثت.....
- ۲۳۸ ۶-۴-۴ انتخاب اصلح یا بقای انطباق.....
- ۲۴۰ ۱-۶-۴-۴ مفاهیم تشکیل دهنده نظریه انتخاب طبیعی.....
- ۲۴۱ ۲-۶-۴-۴ تبیین رکن انتخاب طبیعی از دیدگاه داروین.....
- ۲۴۳ ۵-۴-۴ پیش فرض های فرضیه داروین.....
- ۲۴۳ ۱-۵-۴ اصل علیت.....
- ۲۴۳ ۲-۵-۴ اصل حرکت.....
- ۲۴۳ ۳-۵-۴ اصل تبدل تغییرات کمی به کیفی.....
- ۲۴۳ ۴-۵-۴ اصل بقای ماده و انرژی.....
- ۲۴۳ ۵-۵-۴ اصل اعداد.....
- ۲۴۴ ۶-۵-۴ اصل ترکیب.....
- ۲۴۴ ۷-۵-۴ اصل نفی در نفی.....

- ۲۴۵ ۶-۴- واقفیت و تئوری های تکامل
- ۲۴۸ ۷-۴- فسیلهای پیش از انسان
- ۲۵۳ ۸-۴- داروین و تکامل انسان
- ۲۵۴ ۱-۸-۴- انسان و تبدل انواع
- ۲۵۵ ۲-۸-۴- تفاوت انسان با سایر انواع حیوانات از دیدگاه داروین
- ۲۵۷ ۳-۸-۴- ارتباط انسان با میمون های آدم نما
- ۲۵۸ ۴-۸-۴- منشأ یا بنیاد انسان
- ۲۵۸ ۱-۴-۸-۴- نظریه ادیان
- ۲۶۰ ۲-۴-۸-۴- نظریه علمی
- ۲۶۸ ۱-۲-۴-۸-۴- اختلاف نظر داروین با والاس درباره منشأ انسان
- ۲۷۰ ۲-۲-۴-۸-۴- اختلاف داروین با ویسمان درباره منشأ انسان
- ۲۷۱ ۹-۴- عروج انسان
- ۲۷۱ ۱-۹-۴- تدریجی بودن پیدایش انسان
- ۲۷۴ ۱۰-۴- پیدایش انسان و مراحل تکامل آن
- ۲۷۴ ۱-۱۰-۴- تارسیه ها ولمورها اجداد میمونها هستند
- ۲۷۵ ۲-۱۰-۴- تارسیه ها منشأ میمونهای اولیه بودند
- ۲۷۵ ۳-۱۰-۴- میمونهای آدم نما
- ۲۷۶ ۴-۱۰-۴- جد مشترک انسان و میمونهای آدم نما
- ۲۷۹ ۱۱-۴- حلقه مفقوده
- ۲۸۰ ۱۲-۴- رفتار انسان
- ۲۸۱ ۱۳-۴- ارزیابی تئوری داروین
- ۲۸۲ ۱-۱۳-۴- نظام عام زوال و بقای جانداران
- ۲۸۶ ۱۴-۴- نظریه امروزی درباره تکامل انسان

۴-۱۵- نتیجه گیری فصل چهارم ۲۸۹

۴-۱۵-۱- فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟ ۲۸۹

۴-۱۵-۲- حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا امریتکامل پذیراست یا تکامل ناپذیر؟ ۲۸۹

۴-۱۵-۳- مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟ ۲۹۰

فصل پنجم: مقایسه و نتیجه گیری

۵-۱- انسان از دیدگاه فلسفه، عرفان، علم ۲۹۳

۵-۱-۱- انسان شناسی فلسفی ۲۹۳

۵-۱-۱-۱- انسان شناسی فلسفی ابن سینا ۲۹۴

۵-۱-۲- انسان شناسی عرفانی ۲۹۴

۵-۱-۲-۱- انسان شناسی عرفانی مولوی ۲۹۵

۵-۱-۳- انسان شناسی علمی ۲۹۶

۵-۱-۳-۱- انسان شناسی علمی داروین ۲۹۷

۵-۲- فصل حقیقی و ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات چیست؟ یا ملاک و مناط انسانیت انسان چیست؟ ۲۹۸

۵-۳- حقیقت انسانی انسان خاصه از نظر روحی و معنوی آیا امری تکامل پذیراست یا تکامل ناپذیر؟ ۳۰۱

۵-۴- مبدأ و نحوه پیدایش نخستین انسان چگونه بوده است؟ ۳۰۳

۵-۵- فرجام سخن ۳۱۰

منابع و مأخذ ۳۱۳

فهرست مقالات ۳۲۶

مقدمه

مقدمه

سپاس و ستایش معبودی را سزد که آدمی را با تشریف جان کرامت بخشید و با نفخه روح بخش خویش، تاج خلیفه الهی بر سر وی نهاد تا در پرتو تعلیم الهی شناسای نیک و بد باشد و در فضای لایتناهی قدس به پرواز در آید، باشد که در مستی این جلوه روحانی، جرعه نوش وصال و قرب آن یگانه بی همتا گردد. «انسان» را در مقام توصیف اگر «موجود ناشناخته» خوانده اند، هرگز سخن به گزافه نگفته‌اند. زیرا ژرف کاوی‌ها پیرامون حقیقت و ماهیت انسان با آنکه تاریخی به بلندای تاریخ حیات او دارد اما نه تنها به شناخت کامل او منتهی نشده، که او را به معمای لاینحل هستی ساخته است.

ناشناخته ماندن ماهیت و به تبع آن قدر و منزلت انسان در هستی سبب شده است تا بسیاری از زوایای دیگر جهان نیز ناشناخته بماند و از رهگذر آن فراز و فرودهای بسیاری حتی در زندگی مادی آدمیان رخ نماید. تردیدی نیست که در راز گشایی از حقیقت انسان «وحی» نقشی بی نظیر و منحصر به خود ایفا نماید و این بدان سبب است که آفرینشگر هستی خود بر همه زوایای جهان و از جمله انسان به نیکی آگاه است و وحی تراوشی است از این آگاهی بی پایان که اگر آن گونه که باید مورد توجه و اندیشه ورزی قرار گیرد با همراهی دانش‌های بشری به حل بسیاری از معماهای پیچیده منتهی می‌گردد.^۱

کرامت انسان و جایگاه رفیع آدمی، در نظام آفرینش از ارکان اندیشه دینی است. در بینش دینی محور خلقت و غایت آفرینش موجودات، انسان است. در چشم انسان متدین که در خلقت آسمان‌ها و زمین تدبر می‌کند و در همه حالات به یاد خداست، خداوند جهان را عبث و بیهوده نیافرده است. بلکه جهان آفرینش با حکمت و تدبیر الهی در خدمت به انسان بوجود آمده تا او را در حرکت استکمال به کمال نهائی که مقام برحسب الهی است برساند.

اهمیت جایگاه انسان در آفرینش و نیز کرامت و ارزش آدمی در منابع اسلامی به تفصیل تمام آمده است انسان خلیفه خداوند می‌باشد. هرکس خود را بشناسد، خدای خود را خواهد شناخت و

۱. ر.ک. ابراهیمیان، حسن، *انسان شناسی*، ص ۱۰.

لذا روایت شده: خداوند هیچ کتاب آسمانی را نازل نفرمود مگر آن که در آن تذکر داده‌ای انسان خودت را بشناس تا خدایت را بشناسی.

و همین است معنی فرموده خداوند در قرآن کریم: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق»^۱ (ما نشانه‌های قدرت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان روشن می‌گردانیم تا ظاهر شود که خداوند بر حق است.) بنابراین توجه به انسان و شناسایی وی مسئله‌ای است که از قدیم الایام مورد توجه مذاهب و مکاتب و فرهنگ‌های گوناگون بوده است و کمتر سیستم فکری و فلسفی را می‌توان سراغ گرفت که به گونه‌ای به شناسایی انسان پرداخته باشد. جمله معروف سقراط «خودت را بشناس» که از سقراط نقل شده، اما می‌توان گفت که با تعبیر دیگر در تفکرات و اندیشه‌های قبل از «سقراط» وجود داشته، نمایشگر این مسئله است که آدمی نسبت به «خود» و حقیقت وجودی خود همواره بی‌اعتنا نبوده است، و اگر هم بر بعضی از مکاتب فکری ایراد گرفته می‌شود که به انسان بی‌توجه بوده‌اند، این نه به آن معناست که آن مکاتب اصلاً توجه‌ای به انسان نداشته‌اند بلکه مراد آن است که از اندیشیدن درباره انسان آن گونه که شایسته مقام آدمی بوده است خودداری کرده‌اند.

«انسان» تنها کلمه‌ای است که همه معانی و مفاهیم را به یک جا دارد و هرکلمه‌ای در اقصای خود، مفهومی است از مفاهیم بی‌شمار این کلمه. هر چیز با وجود او می‌تواند وجود داشته باشد و جدا از او، همه ارزش‌های خود را از دست بدهد. لفظ با وجود اوست که معنا پیدا می‌کند و هر صفت با اراده او شریف می‌باشد، یا بی‌ارج و ناچیز. علم، ایمان، عرفان و شناخت، مفاهیم یگانه‌ای هستند که مصداق جملگی انسان است و همان گونه که هر پدیده با پرتو خورشید، پدیدار می‌آید و نامی به خود می‌گیرد، اشیاء و امور نیز در پرتو شناخت انسان است که واقعیت و مفهوم پیدا می‌کنند.

کلمه انسان چقدر عمیق و چقدر معنی‌دار است. فقط انسان است که زیبایی‌های مناظر، کوه‌های سبز، گل‌های رنگارنگ، چمنزارهای مستور از ریاحین، افق‌های بی‌انتهای آفتاب، ماه،

ستارگان، غرش رعد آسای دریاها، نغمات دلفریب مرغان خوش الحان، خلاصه تمام زیبایی‌های طبیعت را درک می‌کند و برای آن‌ها ارزش قائل می‌گردد. آن قطعه پهن‌اور از زمین که پای بشر بدان نرسیده است چه فرقی با طفل یتیم و سر به گریبان می‌تواند داشته باشد؟^۱

انسان، قلب تپنده و مغز با شعور کلیه موجودات است. انسان، از تمام موجودات ذی روح با عظمت تر، با قدرت تر و با هنرتر است. در میان کلیه جانداران فقط انسان است که مهر خود را بر طبیعت زده و طبیعت را رام و مسخر خود کرده است. انسان است که کلیه موجودات ذی روح و غیر ذی روح را به خود تابع نموده و به دلخواه خود تغییر می‌دهد.

انسان به بال‌های نیرومندی که خود خلق کرده در هوا پرواز می‌کند و به مرغانی که در هوا طیران می‌کنند امر می‌دهد: از پیش من دور شوید، از لابلای ابرهای سیاه می‌گذرد و در اندک مدتی مسافتات بعید را طی می‌کند. هیچ پرنده‌ای به این سرعت و به این جرأت قادر به پرواز نیست. ما همه از تندروی و سرعت حرکت اسب‌ها و آهوها در روی زمین اطلاع داریم. ولی هیچ حیوانی نمی‌تواند با سرعت سیر ماشین‌ها و قطارهای راه آهن که دست انسان آن‌ها را به وجود آورده است برابری کند.

آفریننده این کشتی‌های پر ابهت و با عظمت کیست؟ کشتی‌هایی که دریا را شکافته و موج‌های سهمگین و کوه آسا را زیر گرفته از این سو به آن سوی دنیا حرکت می‌کنند؟ فقط انسان توانسته است که صاحب ثروت‌های هنگفتی که در اعماق دریاها و در زیر زمین و دل کوه‌ها وجود دارند بشود.

فقط انسان است که با نعره‌های خود تمام حیوانات را به سکوت مجبور کرده و شیران و پلنگان قوی پنجه را در مقابل خود به زانو زدن وا می‌دارد. فقط انسان است توانسته است که تمام حیوانات را رام نموده و از آن‌ها به نفع خود استفاده کند. میوه‌های گوناگونی که در باغ‌ها وجود دارند. سیب، به، گلابی، که از درختان آویزان هستند؛ گندم، جو، ارزن، خوشه‌های سنبل که در مزارع می‌رویند همه پرورده دست بشر هستند.

۱. ر.ک. آی فارایوین، *پیدایش انسان و عقاید داروین*، ترجمه: عزیز محسنی، ص ۱۴.

انسان نه تنها حیوانات را رام کرده و نباتات را پرورش داده و به وجود آورده است، بلکه در عین حال با فعالیت و پشتکار خود، در جنس جانوران و گیاهان نیز تغییراتی به وجود آورده است. راه آهن‌ها تونل‌ها، قنات‌ها و مناطق بزرگی که انسان احداث کرده چه تبدلات بزرگی در طبیعت وحشی، به وجود آورده است. انسان که این همه تبدلات به وجود آورده و دارای این قابلیت و هنر و ذکاوت گردیده است در چه زمان، چطور، و از کجا به وجود آمده است؟ زمینی که امروزه ما در آن زندگی می‌کنیم، دوره هائی را در تاریخ خود طی کرده است که نه تنها در آن از انسان‌ها بلکه از حیوانات پستاندار دیگر که امروزه ما می‌بینیم اثری مشهور نبوده است.

انسان در میان حیوانات تازه‌ترین مهمان کره زمین است. انسان با وجود این که تازه‌ترین موجود زمین است برای رسیدن به وضعیت تکامل کنونی، تاریخ بزرگی را طی نموده است. مغز انسان بی اندازه کنجکاو است می‌خواهد تمام اسرار طبیعت را مکشوف نماید و لیکن قبل از هر چیز بدن خود او را به خود مشغول می‌سازد و لذا تمایل به شناخت خود پیدا می‌کند.^۱

انسان موجودی کاملاً متحول و متکامل است که مراحل مختلفی هم چون جمادی، نباتی و حیوانی را پشت سر گذارده تا به مرحله بشر رسیده، این انسان می‌تواند به مرحله بالاتر نیز برود و وارد عالم فرشتگان شود. در واقع هر چند انسان ظاهراً جهان کوچکی را نمایان می‌سازد، ولی در حقیقت او جهان بزرگی را تشکیل می‌دهد که همه جهان ظاهر با آن همه وسعتش در برابر او تنگ و کوچک است که شاید بتوانیم آن را یکی از اصول اساسی انسان شناسی بدانیم.

انسان هدف عالی آفرینش جهان است. این انسان، موجودی محکوم جبر سرنوشت نیست. او علی‌رغم این که از عرضه قضا و قدر خارج نمی‌شود با گوهری به نام اختیار می‌تواند بر همه موانع کمال خویش فائق آید. انسان، کمالش رسیدن به مرتبه خلیفه الهی است از طریق رها شدن از خود و فنای خود در خداوند. و از همین طریق از عالم حسی نجات می‌یابد و در عالم روحانی حشر می‌شود. و از چیزهایی که مربوط به عالم حسی است مانند خشم و شهوت آزاد می‌شود. همین پیوند اتصال که بین خداوند و انسان هست، به همین مقام خلیفه الهی مربوط می‌شود.

۱. ر.ک. آ.ای. فارابیون، *پیدایش انسان و عقاید داروین*، ترجمه: عزیز محسنی، ص ۱۵.